

دکتر عزت ا... نوذری

دانشگاه شیراز

شماره مقاله: ۴۸۱

روستای برآب «براو»

E. Nozari ph.D

The University of Shiraz

The Village of Barab

The activities which characterise the rustic life include farming, raising cattle and perhaps a number of other marginal activities such as advance purchase, buying and selling of Gabbe, rug etc. These activities vary from village to village.

The village of Barab is different from other villages in Darab district in that none of the inhabitants here own their land or water resources or farm animals. They lead a very hard life and make a living only through paid labour. Moreover, these villagers are ethnically and culturally different from the inhabitants of other villages in the area and it is clear that they have moved to this area in a very distant past and have preserved their ethnic physical characteristics of dark faces, curly hair, thick lips and relatively small skulls through intra - group marriages.

خلاصه

آنچه که حیات زندگی روستایی را رقم می‌زند فعالیت بر روی زمین کشاورزی و دامداری و احیاناً فعالیت‌های جنبی دیگر مانند سلف خری، خرید و فروش گبه، جاجیم، قالی و جزء آن می‌باشد که آن هم از روستا به روستای دیگر متفاوت است. تفاوت روستای برآب با دیگر روستاهای منطقه داراب حداقل در این است که هیچیک از اهالی روستای برآب دارای زمین، آب، دام نمی‌باشند و فقط با مزدوری روزگار خود را سپری می‌کنند و به همین دلیل زندگی بسیار مشقت باری را می‌گذرانند، از طرفی اهالی این روستا از لحاظ نژادی و حتی فرهنگی کاملاً متفاوت از اهالی سایر روستاهای داراب می‌باشند و مشخص است که اینان از مناطق دیگری در روزگاران گذشته باین روستا آمده و در همین جا اسکان یافته‌اند و با ازدواج‌های درون گروهی هیبت ظاهری قومی خود را با چهره سیاه، موهای مجعد، لبان کلفت، جمجمه نسبتاً "کوچک حفظ نموده‌اند."

مقدمه

اغلب روستاهای ایران به خاطر شرایط جغرافیایی و اقلیمی، اقوام و نوع معیشت از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. روستای برآب یکی از این روستاهایی است برای تبیین ویژگی‌های خاص این روستا آن را در چهار بخش مورد ارزیابی قرار داده‌ایم:

- ۱- شرایط جغرافیایی؛
- ۲- شرایط تاریخی و اجتماعی؛
- ۳- شرایط اقتصادی؛
- ۴- شرایط فرهنگی روستا

موقعیت جغرافیایی

وجه تسمیه برآب به واسطه رودخانه‌ای است که از کنار این روستا می‌گذرد. این رودخانه از پنج کیلومتری روستا، از چشمه‌ای در پای کوه «اوغلان‌غر» سرچشمه می‌گیرد. روستای برآب در پانزده کیلومتری شهرستان داراب قرار گرفته است و از شمال به منطقه فسارود، از جنوب به دهکستان، از غرب به جاده رشیدآباد و از مشرق به منطقه بختارجرد محدود می‌شود.

اهالی منطقه شرایط اقلیمی خاص و زمین و آب کافی و مناسب و همچنین استفاده از تلمبه در آبیاری - بجز روستای برآب - یا به باغداری مرکبات اشتغال دارند و یا زمینهای خود را به زیر کشت گندم و جو، ذرت و پنبه می‌برند. در واقع این منطقه، منطقه‌ای برای کشاورزی کاملاً مساعد است به ویژه آنکه ایستگاه مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی نیز در منطقه بختاجرد قرار دارد و زمینهای فراوانی را به شیوه علمی تحت نظارت و کنترل دارد.

ساخت تاریخی و اجتماعی برآب

در این روستا ۱۳۰ خانوار زندگی می‌کنند. با توجه به اینکه متوسط جمعیت هر خانوار هشت نفر است جمعیت روستا حدود ۱۰۳۰ نفر می‌باشد. آنچه روستائیان برآب را از سایر روستاهای هم‌جوار منطقه خود متمایز می‌نماید تفاوت نژادی آنان است. آنان دارای پوستی سیاه، موهای مجعد، لبهای کلفت و دماغ پهن با جثه‌ای نسبتاً ریز می‌باشند. به نظر می‌رسد اهالی این روستا در گذشته از مناطق جنوبی ایران، احتمالاً بلوچستان^۱، برای کار فصلی مهاجرت کرده و در این منطقه ساکن شده‌اند. هیچیک از اهالی روستا، ذهنیتی در مورد سابقه خود به این منطقه ندارند و هیچ از گذشته و کیان خود نمی‌دارند.

متوسط سن روستائیان بسیار کم است. ۹۶٪ از اهالی زیر ۲۵ سال می‌باشند و تنها ۴٪ از آنان بالای ۳۵ سال دارند. بی‌گمان شرایط نامناسب بهداشتی، تغذیه و آب و هوا بر آنان تأثیر داشته است. تقسیم کار در فرایند زندگی اجتماعی - اقتصادی، همان فرایند نظام مرد سالاری است، یعنی زنان کارخانه را انجام می‌دهند و علاوه بر آن در فصل کار به انواع کارهای کشاورزی مانند پاک کردن گندم، کاشت و برداشت پنبه و ذرت و غیره مبادرت می‌ورزند. فرزندان آنها از سن ۶ یا ۸ سالگی به بعد در کارهای گوناگون خانواده مشارکت دارند. بدین صورت که یا به محافظت از خواهران و برادران کوچکتر خود مشغولند و یا به چوپانی

۱- هنری فیلد درباره نژاد بلوچها می‌نویسد. بلوچها به نژاد هند و افغانی تعلق دارند. در جنوب و در مشرق باجانها و هندوها و در شمال غرب بسط یافته‌اند و در جنوب غرب با سیاه پوستان مخلوط شده‌اند. ویلسون مردم تناس دیگر این فضا را تأیید می‌کند: هنری فیلد، مردم‌شناس ایران، ترجمه دکتر عبدالله... فریاد، انتشارات ابن‌سینا، ص ۷۳۳.

اشتغال دارند و یا در فصل کار دوشادوش والدین خود در کار کشاورزی شرکت می‌کنند. مردان علاوه بر تصمیم‌گیری و استقلال رأی کامل در خانواده به کارهای بیرون از خانه مشغولند که از کارگری ساده بر روی زمین چوپانی و گرفته تا انجام معاملات مختلف را در بر می‌گیرد.

ساخت اقتصادی روستا

۹۹٪ اهالی روستا فاقد زمین بوده و صرفاً به کارگری روی زمین و یا چوپانی اشتغال دارند. حقوق روزانه کارگران مرد و زن از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان متغیر است. نتیجه کار و حقوق روستائیان تنها در برگیرنده سه ماه از سال است و آنها به ناچار بقیه سال را بیکار در روستا می‌گذرانند. چوپانها مطابق قرار داد با صاحبان گله معمولاً برای ۵۰ رأس گاو و گوساله، ماهیانه ۲۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌دارند. معمولاً ۱۰ درصد از خانواده‌ها به این کار اشتغال دارند. آنها صاحب گله نیستند اما ناچارند گله را شب در حیاط خانه خود نگهداری کنند. نگارنده با حضور در منازل روستائیان مشاهده نمودم که وسائل زندگی خانواده‌ها معمولاً بسیار محدود و کم‌ارزش بوده و در فقر کامل زندگی می‌کنند. بیگمان این فقر با اعتیاد مردان و زنان و جوانان رابطه مستقیم دارد. اعتیاد به تریاک بخش اعظم درآمد ناچیز آنها را نابود می‌کند. علاوه بر این در فصل کار، افرادی با عنوان سید که شمالی سبز به گردن می‌آویزند، از مناطق دوردست مثل بهمان، کوه کهکیلویه و بویراحمد به این منطقه آمده و سهمی را به عنوان سهم سید که در اصطلاح محلی «راه جدا» گفته می‌شود طلب می‌کنند.

دریافت «راه جدا» شامل روستای برآب نیز می‌شود. آنها درست به موقع و در فصل کار پیدا می‌شوند و از روستائیان فقیر و بخت برگشته طلب «راه جدا» می‌کنند. روستائیان ساده دل نیز به اعتقادات دینی خود به فراخور از تیم تا یک بار گندم خود را که به دلیل خدمات خود از صاحبان زمین دریافت داشته‌اند به اینان تقدیم می‌کنند.

سیدها با فروش گندم و ذرت و پنبه به دست آمده از دسترنج روستائیان، روزانه بین ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان درآمد کسب می‌نمایند. علاوه بر این در تمام مدتی که در روستا بسر می‌برند، امکانات خواب و خوراک خود را از طریق همین روستائیان تأمین می‌کنند.

ساخت فرهنگی

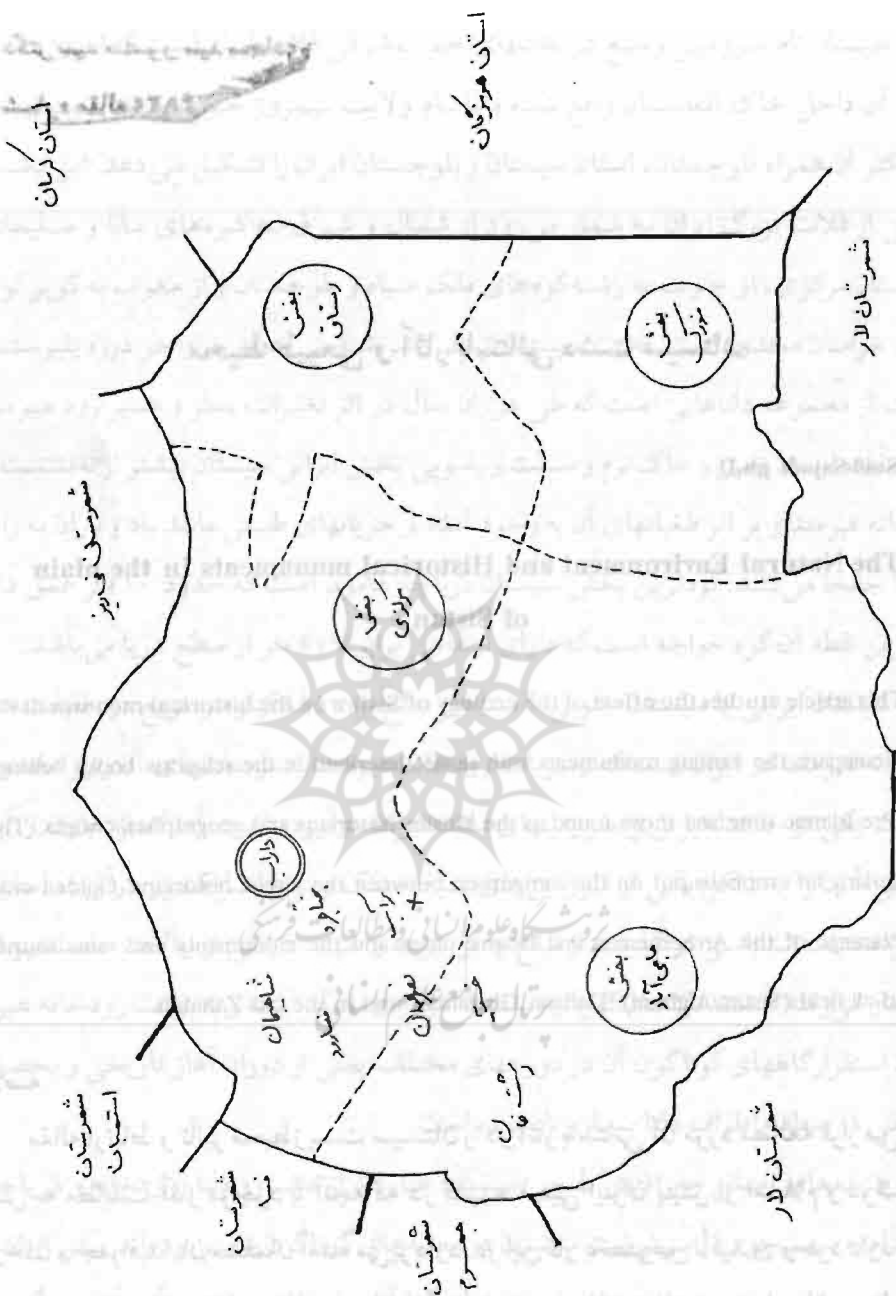
علاوه بر فقر اقتصادی، به دنبال آن، فقر فرهنگی نیز در روستا بیداد می‌کند. با این که در روستای برآب یک مدرسه تا سطح راهنمایی وجود دارد ولی هیچ یک از کودکان روستا بیش از دو کلاس سواد ندارند و هرگز موفق نمی‌شوند تا در کلاسهای بالاتر به تحصیل ادامه دهند. زیرا مشارکت جدی بچه‌ها در کمک به معیشت و سایر امور خانواده از یک سو و فقر بیش از حد روستائیان از سوی دیگر سبب می‌شود تا آنان قادر به تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان خود نباشند. علاوه بر این بسیاری از روستائیان به دلیل عدم آگاهی، اهمیت تحصیل و سواد را در نمی‌یابند. در پرسش از بیش از ۵۰ کودک روستایی معلوم شد که فقط یک فرزند از خانواده ۱۲ نفری عباس نیکبخت توانسته تا کلاس اول دبیرستان درس بخواند که آن هم شاید به سبب وضعیت مالی نسبتاً بهتر خانواده وی در مقایسه با سایر اهالی روستا بوده است. پدر خانواده صاحب دو هکتار زمین موروثی پدر می‌باشد.

در مورد مذهب اهالی روستا، هر چند همه اهالی شیعه هستند ولی به دلیل بی‌سوادی حتی نمی‌توانند فریضه نماز خود را به درستی ادا نمایند. در تمام روستا حمامی وجود ندارد و اساساً استحمام در نزد آنان مفهومی ندارد. آنها فقط در ماه مبارک رمضان به مسجد می‌روند و به برکات این ماه بسیار اعتقاد دارند. از جشنها فقط جشن عروسی را می‌شناسند. اهالی روستا با مشارکت خود در عروسیها هر یک به فراخور تمکین مالی کمکهایی به عروس و داماد می‌کنند، چه اهالی همه با یکدیگر پیوندهای نسبی و سببی داشته و یا به لحاظ عرق هم محلی به یکدیگر کمیکی می‌کنند که شاید این رفتار گروهی و پیوند انسانی یکی از علل دوام و ادامه زندگی دشوار این روستائیان باشد. سن ازدواج اغلب پایین است. پسرها در سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی و دخترها بین سنین ۸ تا ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند مردان در سنین بالا و حتی پیری می‌توانند با دختران کم سن و سال ازدواج کنند. هر خانواده حاضر است در مقابل پول اندکی دختران کم سن و سال خود را به هر کس از اهالی - حتی مردان پیر - شوهر دهد. چند همسری نیز به فراوانی وجود دارد که این خود دلایل مختلفی دارد. از سویی زنان به عنوان کارگران فصلی منبع درآمد هستند و از سویی تنوع طلبی، بی‌مسئولیتی و امکان ازدواج آسان با دختران جوان سبب چند همسری می‌شود. زنان

نازای روستا خود برای همسرانشان، همسر دیگری دست و پا می‌کنند. ازدواجها به دلیل سن پایین زوج معمولاً در محضر به ثبت نمی‌رسد. اغلب اهالی روستا فاقد شناسنامه‌اند. این مسأله جوانها را قادر می‌سازد تا به سربازی نروند و همچنان در فقر فلاکت محیط خود غوطه‌ور باشند. جشن عروسی ۲ تا ۳ روز طول می‌کشد. تصمیم‌گیری برای ازدواج با پدر خانواده است ولی انجام سایر امور مربوط با مادر می‌باشد.

نام و فامیل پسر	سن ازدواج	شغل	نام و فامیل همسر	سن ازدواج	شغل	تعداد همسر
ابراهیم اژدری	۱۷	کارگر	خدیدجه تندرو	۱۵	کارگر	-
منوچهر رجبی	۱۸	چوپان	مدلغا کارگر	۱۳	"	-
یوسف کشاورز	۱۷	"	نسرین مروت	۱۲	"	-
بهرام شکری	۱۴	"	اعظم فتحی	۱۶	"	۴
بهمن شکری	۲۵	کارگر	نرگس کارگر	۱۱	"	۵ چهار زن تا کنون اختیار نموده که دو تای آن فوت نموده است
حسن شکری	۱۸	چوپان	فاسمی	۱۶	"	-
علی اکبر سیاهپور	۱۷	کارگر	سوسن کشاورز	۱۲	"	-
خلیل کارگر	۱۶	چوپان	ژاله سیاهپور	۱۱	"	-
کرامت سیاهپور	۲۳	کارگر	فریبا سیاهپور	۱۶	"	۲ تا کنون ۲ همسر عقد کرده و ۲ نفر از آنها خودکشی کرده اند و بقیه را طلاق داده است
شیرزاد نیکبخت	۳۰	۰		۱۶	۰	۳ همسر
کشاورز	۲۲	۰		۱۲	۰	۲ همسر
علی محبی	۴۲	۰		۲۶	۰	۶
بهمن شکری	۴۳	۰		۲۴	۰	۱۲ همسر
عباس نیکبخت	۴۵	۰	فرهادی	۲۴	۰	۲ همسر

آمار بالا در روستای بر آب نشان دهنده سن پایین ازدواج تعدد همسر (چند همسری) و خانواده گسترده می‌باشد.



نقشه شماره ۱: موقعیت روستای برآب